



دانشکده حقوق و علوم
سیاسی

گزارش چکیده پایان نامه / رساله
فارسی و انگلیسی



نام و نام خانوادگی دانشجو:	سید محمد حسین موسوی	رشته تحصیلی:	حقوق بین الملل	مقطع تحصیلی:	کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع:	۱۶ آبان ۱۴۰۲
نام استاد راهنما	دکتر راحله سیدمرتضی حسینی	نام استاد مشاور	دکتر هادی آذری	نام استاد/ اساتید داور	دکتر مجتبی اصغریان		
عنوان پایان نامه / ساله:	انتساب مسئولیت شرکت فرعی به شرکت مادر در پرتو رویه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا						
بیان مسئله:	<p>از جمله مباحثی که در دعاوی حقوقی و بین المللی بسیار اهمیت پیدا کرده است، بحث انتساب مسئولیت شرکت فرعی به شرکت مادر است. این بحث از آنجایی که شرکت فرعی دارای شخصیت حقوقی مستقل است بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به بیانی دیگر شرکت فرعی که از لحاظ مالی اکثریت سهام آن متعلق به شرکت مادر است، مرتکب اعمال متخلفانه ای می شود؛ حال باید دانست که آیا این شرکت فرعی است که باید مسئولیت جبران اعمال خود را برعهده داشته باشد و یا شرکت مادر است که به خاطر در دست داشتن اکثریت سهام، متعهد به جبران خسارت است؟ به همین علت است که بحث انتساب مسئولیت شرکت فرعی به شرکت مادر مطرح می شود.</p> <p>با دقت به همین مسئله برایمان ایجاد سوال می شود که چه مولفه هایی در انتساب مسئولیت دخیل هستند؟؛ چرا که اگر بخواهیم مسئولیتی را به شرکت مادر منتسب کنیم قاعداً باید دلایل و استدلال هایی برای این موضوع مطرح کنیم؛ که چرا اصلاً و با چه دلایلی قائل به این نظر هستیم که شرکت مادر باید پاسخگوی اعمال متخلفانه شرکت فرعی خود باشد؟.</p> <p>دیوان دادگستری اتحادیه اروپا طبق استدلال های خود در هر پرونده مولفه هایی از پیش تعیین شده ای را لحاظ می کند و با ملاک قرار دادن برخی فروض، پرونده های مورد نظر را بررسی می کند. از جمله این مولفه ها و فروض از پیش تعیین شده، می توان به موضوع در اختیار داشتن ۱۰۰ درصد سهام شرکت فرعی اشاره کرد. هرگاه شرکتی ۱۰۰ درصد سهام شرکت دیگری را در اختیار داشته باشد بدون هیچگونه بررسی، دیوان دادگستری فرض ابتدایی خود را بر مسئولیت شرکت مادر بار می کند.</p> <p>اما در تمامی آراء می توان مشاهده کرد که دیوان راه را برای اثبات خلاف این امر باز گذاشته است. در آراء مختلف، دیوان به این موضوع اشاره کرده است که امکان اثبات رفتار مستقل شرکت فرعی وجود دارد؛ شرکت مادر با اثبات این مسئله که شرکت فرعی به طور مستقل در بازار رفتار کرده است و از لحاظ فعالیت مستقل است، می تواند خود را از مسئولیت بری کند.</p>						

<p>آرایی همانند آکزونوبل در سال ۲۰۰۹، استورا در سال ۲۰۰۰، دیملر در سال ۲۰۰۵ و آوبه در سال ۲۰۰۶ از جمله آرایی هستند که استدلال های موجود در زمینه انتساب مسئولیت به شرکت مادر در آن ها به چشم می خورد و بنا بر ماهیت پرونده، بحث انتساب در آن ها مورد بررسی قرار گرفته است.</p> <p>این نکته نیز نباید فراموش شود که آرا مورد بررسی در این پژوهش با تاکید بر ارتکاب رفتار متخلفانه شرکت ها در عرصه حقوق رقابت جامعه اروپا است. بدلیل احتمال قوی مبنی بر سو استفاده شرکت ها از فرصت های بازار و توافقات غیر قانونی این مهم را باعث شده است که در روابط میان شرکت مادر و شرکت فرعی شاهد رویه های سخت و تفاسیر موسع دیوان دادگستری اتحادیه اروپا باشیم.</p>	
<p>نکته قابل توجه آن است که تاکنون در ادبیات حقوقی به زبان فارسی بررسی انتساب مسئولیت شرکت فرعی به شرکت مادر با تکیه بر رویه قضایی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا به زبان فارسی کار پژوهشی صورت نگرفته است و از آنجایی که قصد بررسی پرونده های مورد رای دیوان دادگستری اتحادیه اروپا را داریم و در پی توصیف جز به جز آن ها هستیم نوع این پژوهش توصیفی می باشد و در نظر دیگر از آنجایی که قصد تحلیل این یافته ها را داریم و جدای از توصیف، تحلیل نیز در این پژوهش اولویت دارد باید گفت نوع این پژوهش توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای است.</p>	<p>روش پژوهش:</p>
<p>با توضیحات گفته شده سوالات زیر مطرح می شود:</p> <ul style="list-style-type: none"> - مسئولیت مطرح شده برای شرکت مادر از نوع مستقیم است یا غیر مستقیم؟ - شرایط انتساب مسئولیت شرکت فرعی به شرکت مادر چیست؟ - شرایط و الزامات انتساب مسئولیت شرکت فرعی به شرکت مادر در رویه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا چیست؟ 	<p>سؤال و فرضیه تحقیق:</p>
<p>برای بدست آوردن نتیجه مطلوب و مورد نظر ابتدائاً باید دکترین مربوطه به همراه تعاریف مورد نظر و کاربردی بیان گردند و محدوده پژوهش تعیین شود. در نهایت ناگزیر به بررسی رویه های دیوان دادگستری اتحادیه اروپا و آرا مورد نظر هستیم. با در نظر گرفتن نوع رویه دیوان در کنار نظریات دکترین مطرح شده می توان به نتیجه هدف دست پیدا کرد و نوع رویکرد دیوان را شناسایی کرد.</p>	<p>روند پژوهش:</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. دیوان دادگستری نقطه آغازین انتساب مسئولیت را دارا بودن ۱۰۰ سهام شرکت فرعی می داند و معتقد است که با این دلیل می توان نفوذ شرکت مادر را استنباط کرد آن هم به ویژه در مواردی که شرکت فرعی به طور مستقل در بازار رفتار نمی کند و تمام دستور العمل های مادر را از تمام جنبه های مادی آن اجرا می کند. ۲. حتی در فرض تملک ۱۰۰ سهام شرکت فرعی توسط مادر نیز دیوان رویکردی مطلق ندارد و حتی فرض تملک ۱۰۰ سهام را نیز قابل ابطال می داند و این موضوع و اثبات عدم مسئولیت به شرکت مادر باز می گردد که بتواند درجه ای از استقلال شرکت فرعی را به اثبات برساند و نباید در انتساب مسئولیت افراط کرد. ۳. با مباحثی که گذشت دریافتیم که نفوذ تاثیر شرکت مادر بر شرکت فرعی باید بر سیاست تجاری شرکت تابعه باشد چرا که از دیدگاه دیوان دادگستری موقعیت برتری که شرکت مادر دارد موجب 	<p>مهمترین یافته ها:</p>

سلب استقلال تجاری از شرکت مادر می شود و نفوذ بر همین سیاست تجاری است که این استقلال را سلب می کند.

۴. این یک اصل پذیرفته شده در قانون رقابت جامعه است که مسئولیت بر عهده واحد (شخصیت) اقتصادی است حال اگر شرکت مادر جزوی از این شخصیت باشد باید به طور تضامنی با سایر اشخاص موجود در گروه نسبت به نقض قوانین رقابت پاسخگو باشد.

۵. در رویه دیوان دادگستری در خصوص انتساب مسئولیت آن هم در مواقعی که شرکت فرعی عمل متخلفانه مرتکب شده است، شرکت مستقیم مادر در تخلف از اهمیت برخوردار نیست و حتی درصدی از خط استدلال انتساب را هم تشکیل نمی دهد.

۶. با توجه به رویکرد دیوان دادگستری متوجه این مسئله شدیم که شرکت مادر باید برای رهایی از مسئولیت، استقلال و عدم تاثیر خود بر رفتار تجاری شرکت فرعی را به اثبات رساند و در هیچ جایی از این استدلال دیوان، رنگ و بویی از تاثیر اطلاع یا عدم اطلاع از رفتار غیرقانونی وجود ندارد.

تأیید استاد راهنما